

رسم قل و دستار بندی در پاکستان

محمد حسین تسبیحی

مراسم گوناگون :

مختلف مردم چه در شهر و چه در روستا خبر می‌رسد و آنها در خانه متوفی جمع می‌شوند . و مطابق معمول ناله وزاری می‌کنند و واویلا و شیون سر می‌دهند . از طرفی خودشان را برای شستن و کفن و دفن مرده آماده می‌سازند .

غذا نمی‌زنند و روی زمین می‌نشینند :

در خانواده‌یی که وفات رخ داده است ، هیچ‌گونه غذا نمی‌زنند . خانواده‌یی که با خانواده متوفی نسبت دارند ، غذا تهیه کرده و برای آنها می‌آورند . روی صندلی و یا پشت میز و یا روی مبل نمی‌نشینند و روی تخت خواب نمی‌خوابند . همه میزها و صندلی‌ها و مبل‌ها و تخت خواب‌ها را از خانه متوفی بیرون می‌برند و در گوشه‌یی روی هم انباشته می‌کنند و خانواده متوفی روی زمین و یا روی فرش ساده می‌نشینند ، و مخصوصاً زنان خانواده روی زمین در یک اطاق گرد هم می‌آیند و ناله وزاری می‌کنند و موی می‌کنند و مویه می‌کنند و روی می‌خراشند و هق‌هق می‌کنند و به اصطلاح به ماتم می‌نشینند .

قرآن خوانی و دعا و آموزش خواستن :

جنازه یا نعش متوفی را در میان اطاق می‌گذارند و روی او پارچه‌یی سفید می‌کشند و قرآن خوانی آغاز می‌گردد . مردم دیگر همواره می‌کوشند که به بستگان متوفی دلداری بدهند و برای آنان دعا کنند و برای مرده فاتحه و دعای آموزش و مغفرت بخوانند .

شستن مرده :

مرده را در همان خانه می‌شویند و غسل می‌دهند . در پاکستان معمولاً جای مخصوص مثلاً مرده‌شوی خانه برای

مردم پاکستان مراسم گوناگون مذهبی و ملی فراوان دارند . تحقیق و جست‌وجو برای این مراسم دلچسب و پسنندیده است . وابستگی و پیوستگی این مراسم مذهبی و ملی با مراسم مذهبی و ملی مردم ایران بسیار است . و هر گاه به عمق وریشد این مراسم برسیم ، هدف و مقصد آنها را یکی می‌بایم .

مراسم اسلامی

تحقیق و جست‌وجو یا پژوهش درباره مراسم مذهبی و ملی پاکستان از لحاظ روابط هم‌کیشی و فرهنگی و هنری ارزش و اهمیت خاص دارد ، زیرا مردم هر دو کشور مسلمان هستند و زبان فارسی ، زبان تاریخ و فرهنگ و هنر و ادب هر دو کشور عموماً و زبان ملی مردم ایران خصوصاً می‌باشد . دیگر اینکه بعضی از مراسم ، پایه وریشد اسلامی دارند ، مانند : مراسم محرم ، مراسم عید فطر ، مراسم عید قربان ، مراسم تدفین و تکفین ، مراسم سماع و قوالی ، مراسم دستار بندی و رسم قل ، مراسم عروسی و شادی .

آمادگی تدفین و تکفین :

در این مقاله ، روی سخن با «رسم قل» و «مراسم دستار بندی» است که چون با یکدیگر ارتباط دارند آنها را در یک مقاله می‌گنجانیم .

هر گاه کسی از خانواده‌یی بمیرد ، بر حسب ارزش مقام و درجه آن کس ، مراسم تدفین و تکفین با اهمیت و ارزش ویژه برگزار می‌گردد . به همه خویشاوندان و بستگان و طبقات

شستن و غسل مرده ندارند البته با صابون و کافور و عرق بیدمشک و آب تمیز مرده را می‌شویند .

کفن کردن یا تکفین :

وقتی که مرده را شستند ، او را مطابق رسوم مذهبی در کفن می‌پیچند و بر روی کفن گلاب می‌پاشند و برای این کار گلابدان مخصوص دارند . تکه پارچه‌یی را که از پوشش کعبه آورده‌اند و در خانه دارند ، بر چشمان مرده و دهن و روی او می‌اندازند . و با چند قطره آب زمزم - که برای همین مواقع در هر خانوادہ‌یی موجود است - روی مرده می‌پاشند .

آب زمزم و پوشش کعبه :

آب زمزم و تکه پارچه پوشش کعبه را از مکه آورده‌اند . اکثر مردم پاکستان کوشش می‌کنند در مدت عمرشان خود به مکه بروند و یا از دوستانشان که به مکه برای ادای فریضه حج می‌روند بخواهند که برای آنها پارچه و آب زمزم بیاورند و حتی از مکه و مدینه کفن می‌خرند و در آب زمزم آنرا شسته ، می‌آورند و در جای مخصوص نگاه می‌دارند تا در زمان وقوع مرگ از آن استفاده کنند .

تابوت :

پس از این مراسم ، تابوت را که ساخته و آماده شده است می‌آورند و گاهی هم روی تختی که آنرا «چهار پایه» می‌گویند ، مرده را گذاشته ، و خویشاوندان و دوستان و همسایگان دور و نزدیک پارچه‌های خوب و منقش و رنگین و زرتاب و نقره بافت ، مانند «اجرک» و «لنگی» روی آن می‌اندازند . گاهی آیات قرآن ، روی این پارچه‌ها ، با مهره‌های رنگارنگ و پولک‌های زیبا و تارهای ابریشم نقاشی و یا دوخته شده است .

ای خدای یگانه ، او را بیامرز :

در این موقع مولوی (ملا ، آخوند ، قاری قرآن) در کنار تابوت می‌نشیند و قرآن مجید را در دست گرفته ، تلاوت می‌کند و در ضمن برای آمرزش او دعا می‌خواند و از حاضران نیز دعا می‌طلبد . اول از طرف پسر یا پسران و بعد از جانب دیگر افراد خانوادہ متوفی و بستگان و افراد موجود در کنار تابوت مکرر دعا می‌کنند و آمین می‌گویند . بعضی از جملات دعایی چنین است :

«ای خدای یگانه ، به این کلام الله مجید سوگند ، درخواست می‌داریم ، هر گناهی که این مرحوم کرده ، هر نمازی که ناخوانده و قضا شده ، هر روزی که نگرفته ، و هر گناه صغیره و کبیره که در تمام زندگانی خود نموده ، ببخشای و او را بیامرز .

دو رویه تا یکصد رویه :

برای این دعا که مولوی (ملا ، آخوند) می‌کند هر کس

بر حسب استطاعت خود به وی پول می‌دهد و معمولاً از دو رویه تا یکصد رویه ممکن است بدهند . باز هم همه به تقلید و پیروی از مولوی (ملا) دست به دعا بر می‌دارند و دعا می‌کنند و آمرزش می‌خواهند .

تابوت روی دوش مردم :

پس از دعا و طلب آمرزش ، تابوت مرده را بر دوش می‌گیرند و می‌برند ، آنگاه که تابوت مرده را از خانه به مسجد و میدان بزرگ و یا بیرون می‌برند ، آه و زاری و ناله و فریاد و فغان به اوج می‌رسد .

نماز جنازه :

تابوت مرده را در یک میدان بزرگ و گشاده و یا در نزدیک مسجد یا در «عیدگاه» و «جنازه‌گاه» می‌گذارند و همه مردم از دور و نزدیک در آن میدان و یا در آن مسجد جمع می‌شوند و «نماز جنازه» می‌خوانند . نماز جنازه را با ترتیب و طریقه فقہی خاص می‌خوانند و آن دو رکعت نماز است که «رکوع» و «سجود» ندارد و مولوی در پیش صف و همه مردم پشت سر وی می‌ایستند و بروی اقتدا می‌کنند . (در ایران و دیگر کشورهای اسلامی نیز نماز میت بدینگونه انجام می‌شود هنر و مردم) .

چهل قدم :

بعد از اتمام مراسم نماز جنازه ، سادات و خویشاوندان مرده ، تابوت را بر دوش می‌گیرند و تا ۴۰ قدم می‌برند . هر گاه گورستان نزدیک باشد ، پس از ۴۰ قدم هم ، همانطور تابوت را می‌برند تا به گورستان برسند و گاهی مرده را بر «دولی» می‌نهند و به گورستان می‌برند .

سی کورس :

در سالهای پیش ، مثلاً ۴۰ تا ۵۰ سال ، گورستان چه دور و چه نزدیک ، مردم تا ۳۰ کورس ، (کورس = ۲۷۰۰ متر) تابوت مرده را بردوش می‌بردند و در راه از هر جا که مرده گذر می‌کرد ، چه در شهر و چه در روستا ، مردمان مخصوصاً روستاییان بر خود فرض می‌دانستند که برای ثواب بردن ، تابوت مرده را تا چند قدم بردوش بگیرند . ولیکن این روزها وسیله حمل و نقل آسان شده ، هر کار ، خاصه حمل جنازه را آسان کرده است . بهترین وسیله «آمبولانس» است که همواره در شهرها و روستاها آماده خدمت است . و مردم هم دیگر از کثرت کار ، آن «۳۰ کورس» را از یاد برده‌اند .

قبر :

به هر حال ، جنازه را به گورستان می‌رسانند و در کنار قبر که قبلاً کنده و آماده کرده‌اند بر زمین می‌گذارند . البته قبر را مطابق قوانین فقہی اسلام می‌کنند ، جنازه را از تابوت

ویا از روی تخت خواب (یا پلنگ یا چهارپایه) به ترتیب ویژه‌ای به داخل قبر می‌گذارند به طوری که رویش به جانب قبله باشد و سرش به طرف مغرب و پایش به طرف مشرق قرار گیرد. البته تعیین قبله بر حسب جهات هر کشور باید رعایت شود.

صندوق :

و در بعضی جای‌ها مرده‌ها را با تابوت که شبیه یک صندوق چوبی ساخته و میخ کرده‌اند در قبر می‌گذارند، البته مطابق قانون فقهی باید، یکی از تخته‌های صندوق چوبی را میخ نکرده باشند. مرده را در صندوق گذاشتن بر حسب استطاعت مرده است و صندوق از چوب‌های ارزان قیمت یا گران قیمت می‌باشد.

ریزه‌های خاک همراه با دعا و درود :

وقتی مرده را به هر صورت در قبر نهادند، عزیزان و نزدیکان و خویشان مرده ریزه‌هایی از خاک کنار قبر را در دست می‌گیرند و اندک‌اندک و شاید دانه دانه به داخل قبر و بر روی مرده می‌ریزند و رضمن آن «دعا» یا «درود» می‌خوانند. در اطراف و روی جنازه قطعات سنگ بزرگ یا چوب به ترتیبی ویژه می‌گذارند به طوری که جنازه در یک محفظه‌ی قرار می‌گیرد و اگر در صندوق باشد باز هم روی آن سنگ می‌گذارند.

بوی خوش و آب زمزم :

در این هنگام گل‌آب و بوی خوش و شاید آب زمزم بر روی مرده بپاشند و پس از آن گورکن و همراهانش و شاید مردم نیز به سرعت خاک را به درون قبر می‌ریزند و در مدت چند دقیقه قبر را می‌سازند و توده‌ی مستطیل شکل از خاک روی قبر به وجود می‌آورند و بر روی آن آب ریخته محکم می‌کوبند و آن را صاف و صیقلی می‌سازند و گله‌ها و چادری که از تار و پودهای زربفت و گل بافته شده بر حسب استطاعت مرده روی قبر می‌اندازند. گاهی در شب روی قبر «آتش» روشن می‌سازند و نیز کوزه‌ی آب می‌گذارند و «خیمه» و «چادر» بر پای می‌دارند و چهل روز بعد، قبر را با بهترین وسیله و سنگ قبر می‌سازند و خودشان «پخته» می‌کنند.

دعای خدا حافظی :

سپس مولوی (ملا یا آخوند) و مردم در کنار قبر می‌نشینند و به همراهی ملا دعا می‌کنند و مغفرت می‌طلبند و در حقیقت دعای خدا حافظی می‌خوانند و به خانه برمی‌گردند و بر روی فرش یا کف خانه می‌نشینند دعا می‌خوانند. ضمناً پارچه‌هایی که روی جنازه بود، و قرآن شریف را که در کنار مرده بود به ملا می‌بخشند و تخت خواب (چهارپایه یا پلنگ) و لباس‌های مرده را که در هنگام مردن تنش بوده به مرده‌شوی می‌دهند.

تسلیت :

در این موقع در خانه مرده، رفت و آمد بسیار است، هر کس از عزیزان و خویشان دور و نزدیک خبر شده‌اند و هر یک جداگانه به پیش زن و فرزندان و بستگان مرده می‌آیند و تسلیت می‌گویند و دعا و فاتحه می‌خوانند و می‌گویند: «رضای الهی است، مشیت ایزدی است، چه چاره‌ی می‌توان کرد، همه ما رفتنی هستیم، این شتری است که در خانه هر کس می‌خواهد و.....».

مدت سه روز :

بعد از این عرض تسلیت‌ها، غذایی که دیگران و در خانه یا خانه‌هایی دیگر از بستگان مرده پخته‌اند می‌آورند و همه می‌خورند و خانواده مرده هم می‌خورند و به همین ترتیب این کار مدت سه روز و سه شب ادامه دارد و هیچ کس روی تخت خواب نمی‌خواهد و روی صندلی نمی‌نشینند و پشت میز، غذا نمی‌خورد و همه روی کف اطاق می‌نشینند. در این سه روز هر کسی که از دور و نزدیک، از شهرها و روستاها، خبر یافته برای تسلیت و دل‌داری به خانه مرده می‌آید و به عزیزان و فرزندان او تسلیت می‌گویند و ضمناً در روزنامه‌ها آگهی می‌کنند و یا از رادیو و تلویزیون و از بلندگوهای مساجد به گوش مردم می‌رسانند که «رسم قل» در چه وقت و چه ساعت می‌باشد.

رسم قل خوانی :

روز سوم که در پاکستان آنرا «سوم» یا «تری جو» و «رسم قل» می‌گویند، همه عزیزان و بستگان و دوستان و خویشان مرده از هر نقطه مملکت و شاید از خارج می‌آیند و در «رسم قل» شرکت می‌جویند. در «رسم قل» قرآن می‌خوانند و دعا می‌کنند، بدین ترتیب: گروهی از مولوی‌ها (مالایان) و آنان که قرآن می‌خوانند دعا می‌کنند، در گوشه‌ی جمع می‌شوند و می‌نشینند و این مراسم را رسماً انجام می‌دهند، البته دیگر مردمان دعا و فاتحه می‌خوانند:

۱ - به رکوع می‌روند: آیه‌ی از آخر سوره الحشر می‌خوانند: یا ایها الناس اتقوا ..».

۲ - چهار قل را می‌خوانند: (۱ - سوره الاخلاص، قل هو الله احد تا آخر، ۲ - سوره الکافرون ... قل یا ایها الکافرون تا آخر، ۳ - سوره الفلق - قل اعوذ برب الفلق تا آخر، ۴ - سوره الناس - قل اعوذ برب الناس تا آخر).

۳ - آیات آغاز سوره البقرة تا هم المفلحون .

۴ - دعای حاجات: دعای مغفرت و آمرزش .

۵ - درود شریف: ان الله وملائکته يصلون علی النبی

یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیماً» .

۶ - درود تاج : «اللهم صلی علی سیدنا و مولینا محمد و علی آل سیدنا و مولینا محمد صاحب التاج و المعراج و البراق و العلم ... تا آخر» .

۷ - آیه «سبحان ربك رب العزة عما یصفون» ۱ تا ۳ بار .

۸ - دعا می کنند : دعای مغفرت ، دعای ایصال ثواب و دعا های دیگر .

۹ - در حدود ۵ کیلوگرم (۶ سیر پاکستانی) نخود بریان (نخودچی) و مقداری نقل سفید در یک سینی می ریزند و مردم در اطراف آن می نشینند و به تعداد دانه های نخودچی و نقل دعا می خوانند و شاید تا دو بیست هزار بار بخوانند و از یک تا سه روز به طول انجامد .

البته در ضمن این مراسم ، ختم قرآن هم انجام می گیرد و ممکن است از یک تا ۵ قرآن ختم کنند یعنی از اول قرآن تا آخر آن را یک تا پنج بار بخوانند برای آمرزش مرده . بعضی علما مانند علمای دیوبند و همفکران ایشان «رسم قل» را جایز نمی شمردند . در میان مسلمانان هندوستان رسم قل بسیار رواج دارد و پشتوزبانان یا «پتنها» رسم قل ندارند و نوعی دعاخوانی دارند که آنرا «دریمه» گویند .

شست و شو و تبدیل لباس :

پس از رسم قل که در روز سوم انجام می گیرد ، بستگان و خویشان و دوستان مرده ، پیش زن و پسر یا دختر و یا اگر فرزند نداشت ، پیش برادرش می روند و او را اجازه می دهند که به حمام برود و شست و شو کند و لباس خود را تبدیل کند و همین طور زنان آن خانواده همگی به حمام می روند و شست و شو می کنند و تبدیل لباس می نمایند .

چهار ماه و ده روز :

این مسأله هم باید گفته شود که در همان روز اول که مردی می میرد ، زنش زیورهای خود را از سرتاسر بدنش (گلو و دست و بازو و بینی و پا و گوش) بیرون می آورد و لباس ساده و سفید می پوشد و برای چهار ماه و ده روز (مدت عدت) در پرده (چادر) می رود و روی خود را می پوشد و خانه نشین می شود و به اصطلاح «رسم ماتم گرفتن» را اجرا می کند . بعد از مدت عدت ، زنان اقوام و خویشان جمع می شوند وزن ماتم دار را به حمام می برند و شست و شو می دهند . البته در این مدت چهار ماه و ده روز نیز حمام می کند اما در خلوت . ضمناً این نکته را بگویم که زنان در مراسم تکفین و تدفین شرکت نمی کنند .

رسم سادگی :

پس از این ، زندگانی زن شوهر مرده به طور معمول

آغاز می گردد ، و لسی تا زنده هست لباس ساده مثلاً سفید می پوشد و زیور به کار نمی برد و سر مه بر چشم نمی کشد و اگر جوان است تا ازدواج ثانی این رسم سادگی را جاری می دارد . و اگر سالمند و یا پیر است ، بقیه عمر را در عبادت خدا و با زندگی ساده می گذراند .

دیگران غذا می پزند :

همانگونه که گفته آمد برای مدت سه روز یعنی تا پایان «رسم قل» غذا و خوراک برای خانواده مرده و یا هر کس که با آنها در ماتم مرده شرکت کرده است می پزند و می آورند و همگان می خورند .

رسم همکاری مالی :

همان روز سوم پس از «رسم قل» و فراغت از رفت و آمد ، یک نوع رسم همکاری و معاشرت مالی متقابل در میان مردم پاکستان جاری است و آن چنین است که هر کس به اندازه توانایی و استطاعت خود ، مقداری پول به پسر یا برادر مرده می دهد و این مقدار پول را به نام همان شخص یعنی دهنده پول در دفتر مخصوص ثبت و ضبط می کنند تا در آینده ، همان مقدار پول را به همان کس در اینگونه مواقع پس بدهند .

رسم دستار بندی

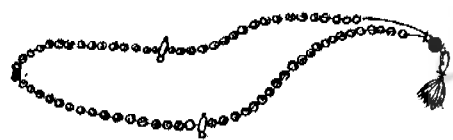
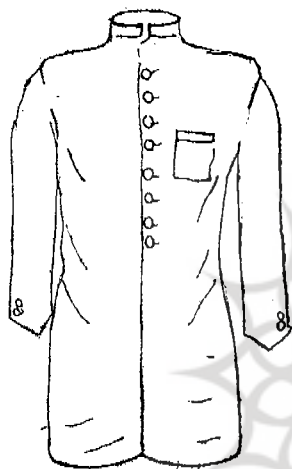
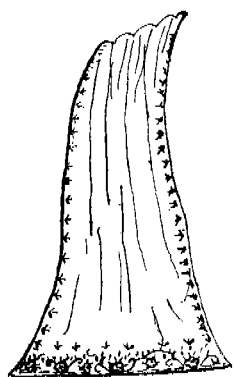
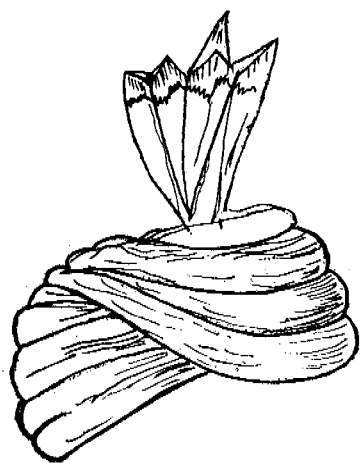
مهمترین رسم :

نیز در همان روز سوم ، همراه با رسم قل و در پایان اجرای رسم قل ، مهمترین رسم که اکثر خانواده های پاکستانی مخصوصاً بزرگان عرفان و نوابان و سجاد نشینان در باره های عارفان اجرا می کنند «رسم دستار بندی» و یا «دستار بندی» است که با تشریفات ویژه انجام می گیرد . در رسم دستار بندی در حقیقت یک نوع بیعت از اهل آن خاندان و از دیگر نزدیکان و اقوام برای پسر بزرگتر و یا بزرگ آن خاندان دریافت می شود و تسلیم شدن و سر نهادن و قبول کردن بزرگتری و ارجمندی پسر بزرگ خانواده است .

برنامه ویژه دستار بندی :

معمولاً برای رسم دستار بندی ، برنامه ویژه و پرخرج و باشکوهی ترتیب می دهند . محل اجرای رسم دستار بندی در خانواده پدری یا در روستای آن شخص که مرده و در آنجا دفن گردیده است در یک میدان بزرگ و وسیع انجام می گیرد . شامیانه :

در این میدان شامیانه های بزرگ و کوچک برپای می دارند . شامیانه عبارت از قطعات پارچه کلفت است که به همین نام در پاکستان می بافند و کارخانه های شامیانه بافی در ملتان و ساهیوال است . جنس آن از پنبه است و دارای نقش های گوناگون (شمسه ، ترنج ، کتابه ، حاشیه ، اسلیمی ، گل و



مطالعات فرهنگی
 رنال جامع علوم انسانی

بوته ، جدول) و رنگارنگ است . زمینه این پارچه کلفت اکثر سرخ و آبی است و نقش‌ها اغلب از رنگ‌های مشهور (زرد ، سبز ، کبود ، لاجوردی ، بنفش ، سیاه ، سرخ ، و آبی) است .

بالا : تصویری یادگاری - پس از مراسم دستاربندی . در این تصویر می‌توانیم - تسبیح ، دستار ، جبه ، کفش ، عصا ، شال و قالیچه سجاده‌نشینی

زیرپا را مشاهده کنیم

بالا چپ : دستار (ترسیم محمدقدیر راجها)

وسط راست : جبه یا (شیروانی)

وسط چپ : شال

پائین : تسبیح

سوم :

سقف شامیانه را با همان قطعات که مخصوص سقف است بر روی همان ستونهای چوبی و به طرز زیبا و دیدنی وصل می سازند و سقف شامیانه بسیار محکم و خوب ساخته می شود .

چهارم :

در تمام قسمت های شامیانه سیمکشی برقی می کنند و انواع چراغ و لامپ و فلورسنت می آویزند و بر ستونها در فواصل معین بلندگوها را کار می گذارند .

پنجم :

دروازه ها و درهای ورودی و خروجی شامیانه را تعیین می کنند و کناره آنها روی قطعاتی کاغذ و یا چیز دیگری می نویسند و نصب می کنند .

ششم :

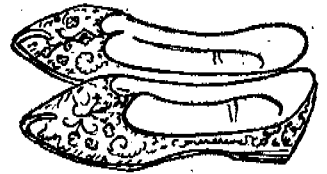
کف شامیانه را از گلیم ها و قالی ها و دیگر فرش ها بر حسب موقعیت و درجه افرادی که می نشینند مفروش می سازند .

هفتم :

در يك قسمت شامیانه ، شامیانه یی كوچك و زیبا از پارچه خوش رنگ تر و نوتر تعبیه می کنند و سطح این شامیانه در حدود نیم متر بالاتر از کف و سطح شامیانه بزرگ است و معمولاً در زبان اردو آن را «دربار» و در فارسی «شاه نشین» می گویند. خلاصه اینکه شامیانه در پاکستان ، کارسالنهای بزرگ سرپوشیده و باشکوه را می کند و بسیار ساده و ارزان است در برابر سالنهای عظیم و قویم و گران قیمت ، و فقط يك مسأله است و آن چنین است که شامیانه در برابر باد و باران و طوفان مقاومت ندارد.



عصا



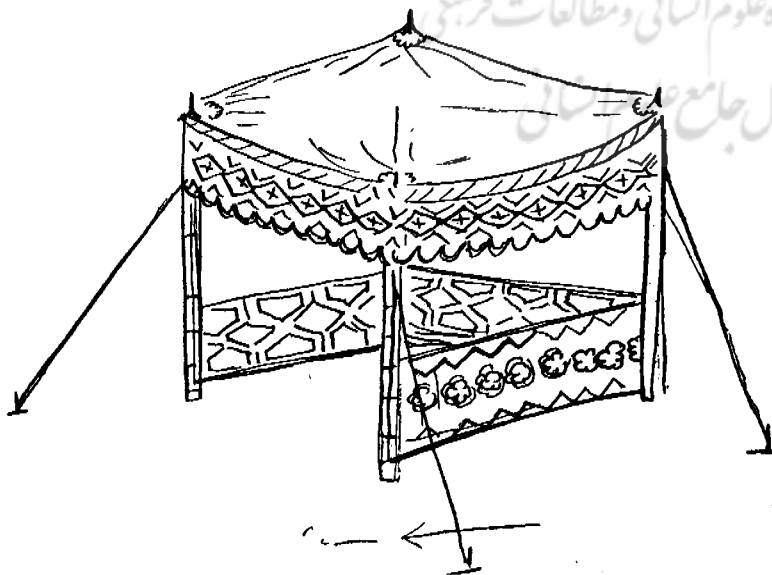
کفش یا کوسه

نخست :

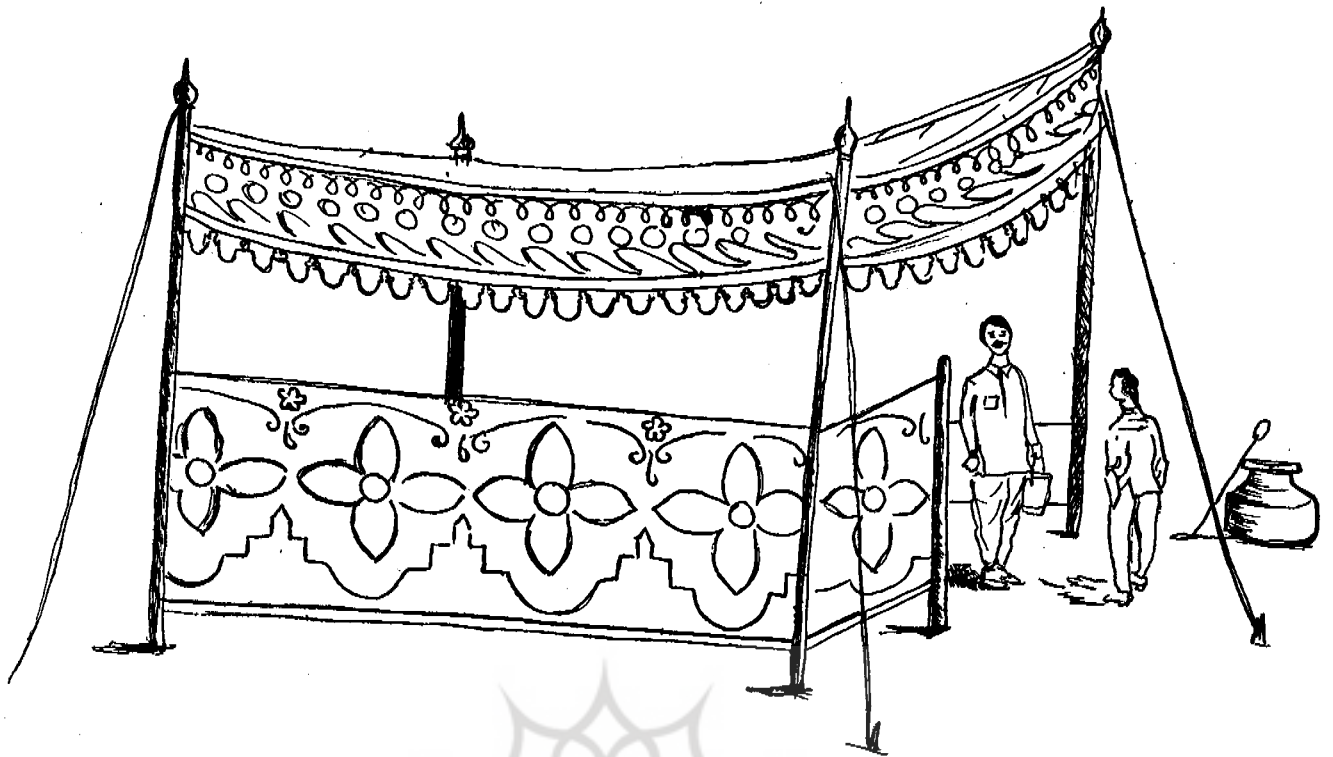
در فواصل معین و هندسی ستونهای چوبی (این ستونهای چوبی ازنی مخصوص محکم است که در زبان اردو به آن «بانس» می گویند) برپای می دارند .

دوم :

قطعات کلفت شامیانه را با طنابهای محکم به شکل دیوار بر این ستونها استوار می کنند و بدین ترتیب دیواره شامیانه ساخته می شود .



شامیانه



شامیانه

دارد آنرا به روز هفتم و یا چهارم مرگ مرده موکول کنند تا فرصت داشته باشند برنامه خاص تهیه کنند .

کارت دعوت :

اینک متن یک کارت دعوت «رسم قل و دستاربندی» از آقای پیرشجاعت حسین و جناب مخدوم میرسجادحسین قریشی سجاده نشین دربار مولانا بهاءالحق زکریا ملتانی :

«بسم الله الرحمن الرحيم ، مکرمی و محترمی السلام علیکم ، جنت مکانی پیر ظهور حسین قریشی مرحوم و مغفور نورالله مرقده کی رسم قل خوانی و عزیزم پیر شجاعت حسین قریشی سلمه کی رسم دستاربندی ، ۱۶ مارچ سنہ ۱۹۷۵ بروز اتوار دس بجی صبح چک نمبر ۴۴ - ۱۵ ایل میان چونون مین ادا کیجائی گی ، شرکت کی استدعا می . متمنی شرکت بیگم پیرظهور حسین قریشی مرحوم و مخدوم محمد سجاد حسین قریشی» .

این شامیانه که به ترتیب و شرح بالا به وجود آمد درسه قسمت و بلکه در چهار قسمت خواهد بود . یک قسمت برای برگزاری رسم قل و دستاربندی که البته مردانه است . یک قسمت برای زنان ، یک قسمت برای غذا خوردن ، یک قسمت برای غذا پختن . وامکان دارد قسمت هایی هم برای وسایل نقلیه و خدمتکاران برپای گردد .

سوم یا چهلیم

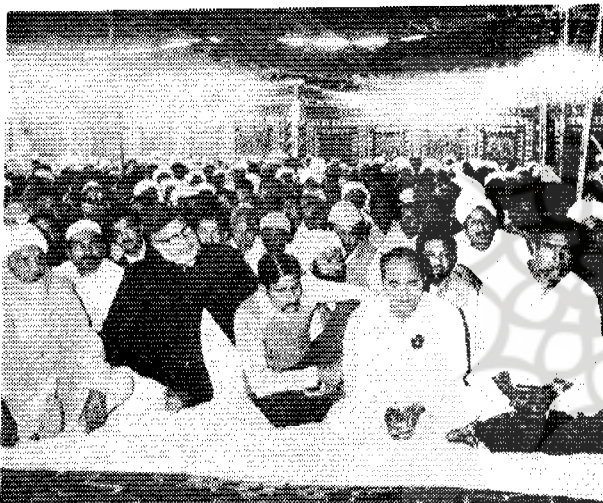
برای «رسم قل» و «دستاربندی» بر حسب استطاعت برگزار کنندگان آن ، در روزنامه آگهی می کنند و از رادیو و تلویزیون پخش می کنند و نیز کارت دعوت چاپ می کنند و به کسانی که می شناسند و می خواهند می فرستند . اما یک مسأله در پیش برگزار کنندگان رسم دستاربندی پیش می آید که وقت کم دارند و نمی توانند آنرا روز سوم اجرا کنند بنابراین امکان

۱۰ تا ۲۰ هزار نفر :

پس از اینکه همه مردم از دور و نزدیک آگاه شدند و کارت دعوت هم به دست آنها رسید ، در روز وساعت معین به محل برگزاری رسم قل و دستاربندی گرد هم می آیند و در بعضی از مراسم دستاربندی شاید از ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر و بیشتر گرد آیند . نظم و ترتیب و راهنمایی این جمعیت عظیم را ، همان مریدان و پیروان «پیر» یا «مخدوم» برعهده دارند و اصولاً پلیس یا سرباز در این کار شرکت نمی کند ، فقط در کنار راه و یا دور از مراسم دستاربندی ممکن است ، چند



دعای پیش از دستاربندی

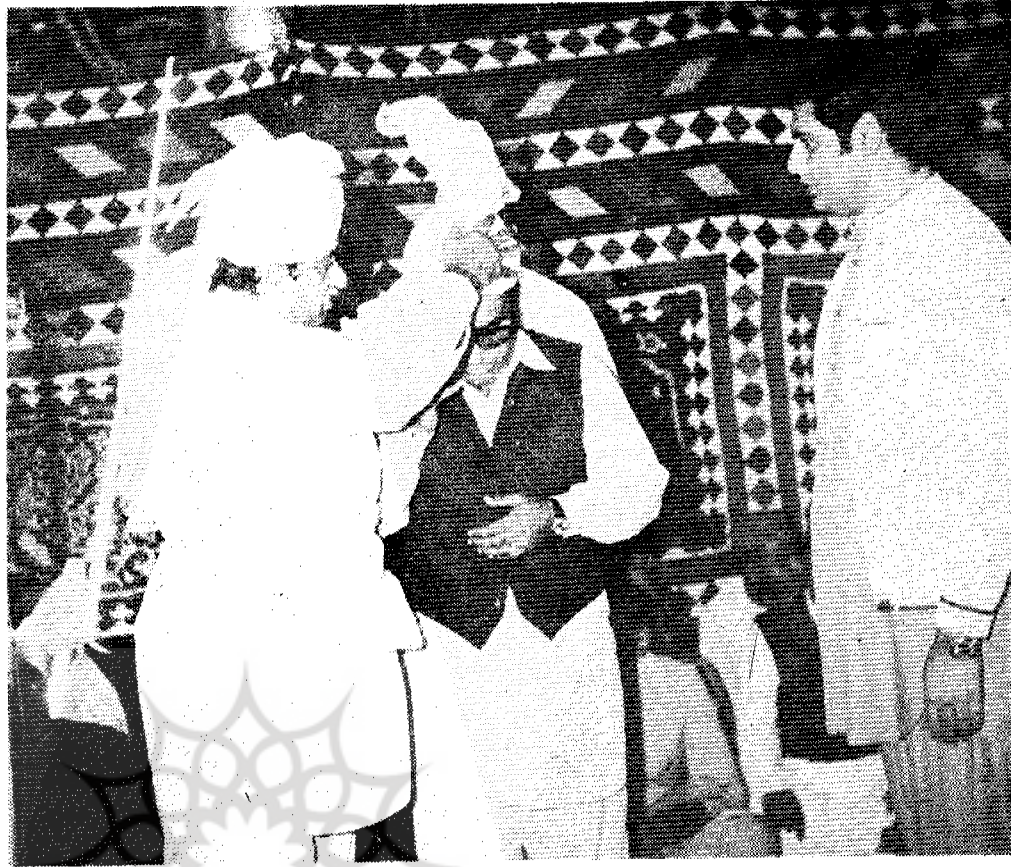


بالا : گوشه ای از مراسم دستاربندی پس از به سر نهادن دستار
پائین : گوشه ای از مجلس دستاربندی آقای پیرشجاعت حسنین
«میان خپون»

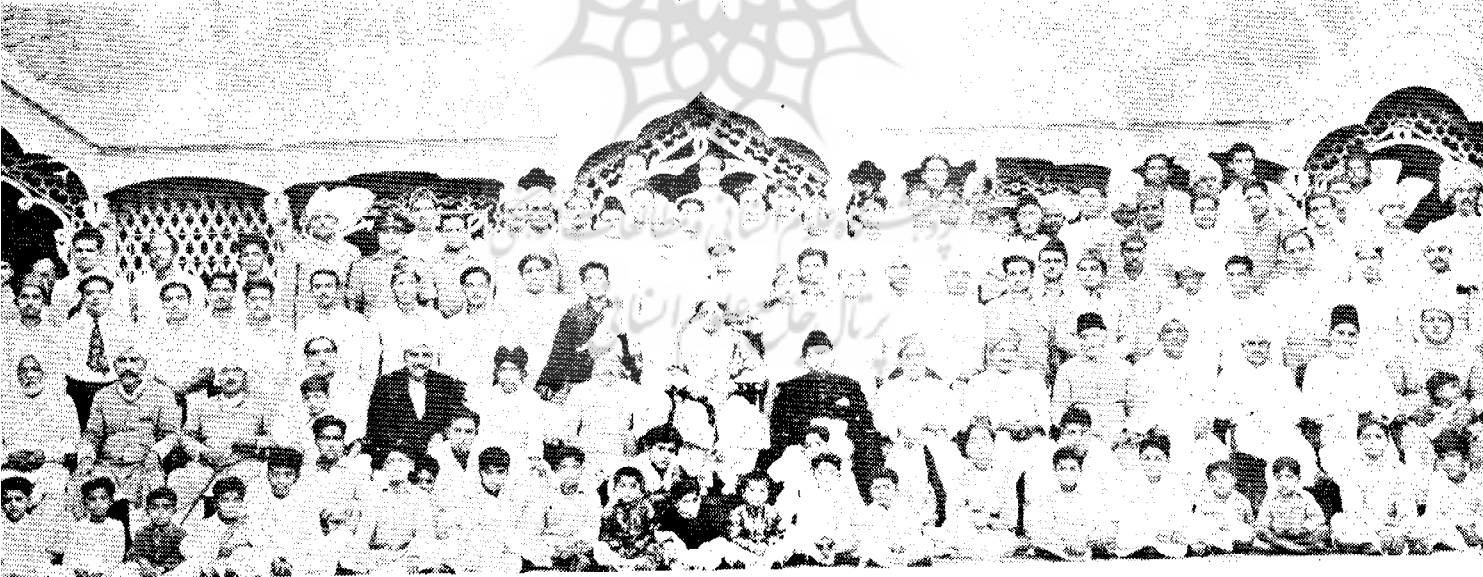
پلیس چادر بزنند و منتظر باشند تا اگر خدمتی از آنان ساخته باشد اقدام کنند.

نشستن :

در مراسم دستاربندی ، پیران و مخدومان و بزرگان و نوابان و خواجهگان و راجگان به ترتیب چهارزانو یا دوزانو و یا به شکلی دیگر روی فرش می نشینند . استانداران و



تصویری از لحظه‌ای که دستار می‌بندند



عکس دسته‌جمعی خاندان گردیزی «سادات گردیزی ملتان» پس از دستار بندی آقای مخدوم سید محمد واجوشاه گردیزی (۱۷ فروردین ماه ۱۳۰۷
۶ آوریل ۱۹۲۸)

۳ - سورة الكافرون : يك بار (قل يا ايها الكافرون تا آخر).

۴ - سورة الاخلاص : ۱۰ بار (قل هو الله احد تا آخر).

۵ - سورة الفلق : يك بار (قل اعوذ برب الفلق تا آخر).

۶ - سورة الناس : يكبار (قل اعوذ برب الناس تا آخر).

۷ - سورة الفاتحة : چندبار (الحمد لله رب العالمين تا آخر).

۸ - ادعيه گوناگون مانند «دروود تاج» و «دروود اكبر» می خوانند .

تقریباً يك ساعت هم به این ترتیب خواندن ادعيه و سوره ها و آیات قرآن طول می کشد .

دستار سیادت و روحانیت :

سپس با سخنرانی ها و خواندن اشعار مدحیه و قصاید دستاربندی آغاز می شود. سخنران هر کس که هست، تاریخچه ای از زندگی و خدمات کسی را که فوت شده بیان می دارد و یادآوری می کند که آن مرحوم در اخلاق و طریقت و شریعت و مردم داری گوی سبقت را از همکاران ربوده بود و برای روستا و شهر آبادانی و عمران کرده بود ، درمواقیع ضروری گره از کار فروبسته مردم گشوده بود و اکنون که او روی در نقاب خاک کشیده است، فرزند برومندش که اعلم و ارشد اولاد خاندان است به جای او این خدمات را برعهده می گیرد و به پیش می برد . امروز ما همگان در اینجا گرد آمده ایم ، تا دستار روحانیت ، دستاربندی سیادت ، دستار عظمت ، دستار شرافت ، و دستار خدمت بخلق را بر سر فرزند ارشد واعلم آن مرحوم می گذاریم ، این دستار ، دستار رفاهی و مذهبی و دینی و زندگی است .

دستار بستن :

آنگاه که سخنرانی پایان یافت ، شاعری قصیده یی می خواند و خواننده یی نعتیه یی ، و بعد از آن ، مخدوم از جای خود برمی خیزد و آن کس که باید دستار را بر سرش ببندند نیز به احترام برپای می ایستند . دستار را که در سینی گذاشته اند و احیاناً آنرا با کلاه مخصوص یا «عرق چین» بسته و آماده ساخته اند می آورند . مخدوم آنرا با دودست بر می دارد و بر سر او می گذارد . علاوه بر دستاربندی در بعضی از سلسله های پاکستانی این چیزها را هم به مخدوم جدید می دهند : عصا ، جبّه ، تسبیح ، جانماز ، کفش ، مسند ، انگشتری ، مهر (سجع نام) . ممکن است هر يك از اینها از چندپشت در خانواده ها موجود باشد و نشان و افتخار و روحانیت و قدوسیّت باشد .

مبارکباد گفتنی و در شاخ دمیدن :

در همین وقت نمره های «هو» و «مبارکباد» از همگان برمی خیزد و قلندران و درویشان در شاخهای خود می دمند

نخست وزیران استانی و فدرال و وزیران و نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا و کارمندان عالی رتبه و طبقات تجار و فرهنگیان و استادان دانشگاه و سران قبایل و عشیره ها و دهقانان و وروستائیان و کارگران همه به ترتیب روی فرش می نشینند .

مسأله مهم :

در نشستن يك مسأله خیلی مهم همواره رعایت می شود و آن چنین است که پیرو مخدوم با چندتن از بزرگان طوری می نشینند که چهره شان به طرف مردم باشد و خود بخود همه طبقات مردم روبروی آنها در ردیف های معین می نشینند . اما مخدوم و پیر هر گاه بخوهد شخصیتی را به مناسبت مقامش کنار خود می نشاند و در حقیقت او را احترام کرده است .

هو ، حق ، ند ، ناد :

وقتی که به این ترتیب همگان نشستند ، پیر یا مخدوم هر چند دقیقه یکبار دست خود را به دعا برمی دارد و همگان به پیروی او دست به دعا برمی دارند و گاه گاهی یکی از مجذوبان یا قلندران «هو» می کند و «حق» می گوید و در «شاخ» یا «ند = ناد» می دمند .

دستار خوان (سفره) :

در این موقع در کنار «دربار» یا شامیانه کوچک ، روی سکویی که قبلاً از چوب و یا چیز دیگر ساخته ، و روی آن فرش انداخته اند ، سفره یا «دستارخوان» سفیدی می اندازند و روی «دستارخوان» انواع غذاها و میوه ها را با آب و نوشیدنی می چینند . غذاها عبارتند از : نان ، پلو ، گوشت ، خورش ، شیرین پلو ، حلوا ، ماست ، سالاد ، دوغ و میوه ها بر حسب فصل . «دستار» را در کنار این مأكولات در يك سینی گذاشته اند و روی همه اینها يك پارچه سفید نازک می کشند . این دستارخوان یا سفره غذا نشان نعمت فراوان و سخاوت متوفی و خاندان اوست .

اجرای برنامه دستاربندی :

آنگاه که این ترتیبات داده شد ، به دستور مخدوم ، برنامه دستاربندی را بدین شرح به اجرا درمی آورند :

نخست : قاریان باصوت جلی و ترتیل صحیح قرآن شریف می خوانند. آیه هایی از سورة المؤمنین و سورة البقرة و سورة الرحمن می خوانند و هر قاری از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه قرآن می خواند و جمعاً يك ساعت قرآن می خوانند . دوم : بعد از قرآن شریف آیاتی دیگر و ادعيه و سوره های کوچک و چهارقل را می خوانند ، بدین شرح :

۱ - درود شریف را می خوانند : ان الله یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً» (۲ تا ۳ بار) .
۲ - «سورة القدر» ۳ بار از آغاز تا پایان می خوانند ، «انا اترلنا فی لیلة القدر ... تا آخر» .

وجملهُ «مست قلندر جهولی لعل ، قطب قطب» را در شاخ می‌دمند ، این شاخ را «ند» یا «ناد» می‌گویند که گویا از : «ناد علیاً مظهر العجایب» گرفته شده است و از اسم فاعل «نادی» مأخوذ است یعنی نداکننده و منادی .

رنگ دستار و جنس آن :

معمولاً رنگ دستار سفید و جنس آن از پارچهٔ ململ بسیار نازک و ظریف و نرم است و از ۶ تا ۱۰ متر طول و یک متر عرض دارد و گاهی آنرا آهارزده و به کلاهی به طرز مخصوص پیچیده و آماده نموده‌اند و در این حالت ممکن است آنرا «پگری» یا «عمامه» بنامند .

دستارهای رنگارنگ :

همانگونه که گفته آمد رنگ دستار معمولاً سفید است و طرز بستن آن هم در چهار استان پاکستان (پنجاب و سند و بلوچستان و سرحد) یکی است و گاهی برای تفنن افغان‌ها و پتن‌ها (پشتو زبان‌ها) دستارهای سیاه می‌بندند که آنرا «مشهدی لنگی» می‌نامند زیرا سالهای پیش در مشهد چنین دستاری می‌بافته‌اند و اخیراً کارگران رامسازی در پاکستان دستارهای سرخ می‌بندند برای اینکه در راه‌ها احتمال خطر می‌رود و سرخی نشانهٔ اخطار است . در بعضی جاها ، گاهی دستارهای رنگارنگ از قبیل خاکستری و راه راه و زرد و سرخ و امثال اینها نیز معمول و متداول است .

هدیهٔ دستار و نشانهٔ بیعت :

در حین دستاربندی و یا اندکی بعد از آن ، مردم دور و نزدیک که در مراسم دستاربندی شرکت جسته‌اند ، بر حسب توانایی مالی خودشان ، دستارهای گوناگون هدیه می‌کنند و ممکن است از ۱۰۰ تا ۲۰۰۰ دستار جمع شود و برخی دستارهای زربفت و زرتاب می‌دهند و برخی یک تهنان (۴۰۰ گر) ململ یا (یک توپ ململ) می‌دهند . و شاید آنقدر دستار جمع شود که یک اطاق پر از دستار شود و آنگاه حمل آن با کامیون صورت می‌گیرد . دستار هدیه کردن نشانهٔ آنست که به مخدوم جدید تسلیم شده یا بیعت کرده و یا سرداده‌اند .

دستارهای متبرک :

در خانواده‌های قدیم کلاه و دستارهای متبرک از بزرگان و دانشمندان و شاعران و عارفان و پیران و مخدومان موجود است که ممکن است در مواقع دستاربندی از آن استفاده نمایند . حتی دستار حضرت محمد (ص) و دستار بعضی از صحابه و یا ائمه امکان دارد که در اختیار کسی باشد چنانکه در «مسجد پادشاهی» و در «فتیرخانه» لاهور و در «اوج شریف» دستارهایی موجود است و صاحبان آنها معتقد هستند که از حضرت محمد (ص) و ائمهٔ اطهار است .

خدمت به خلق :

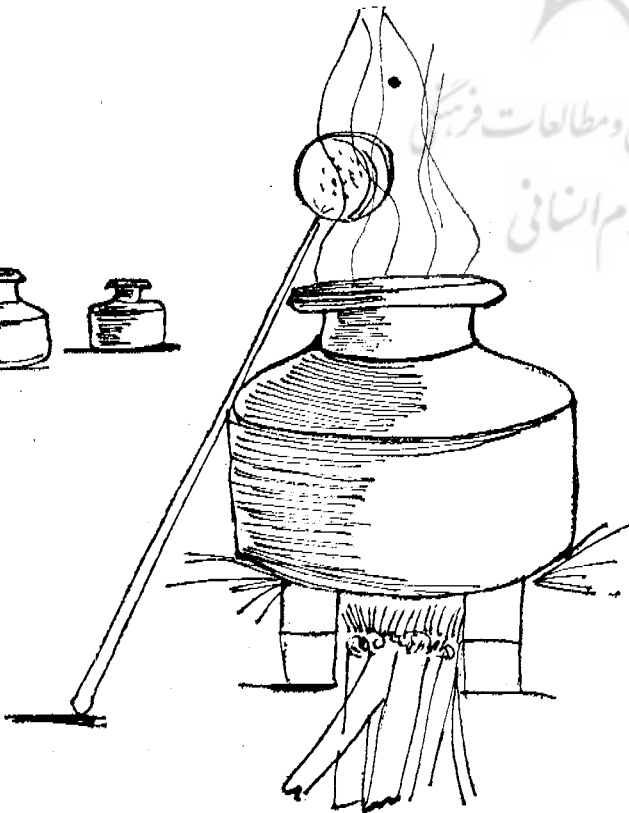
سپس مخدوم یا پیر یا بزرگ خاندان سخنانی در اخلاق حسنه و رفتار پسندیده و خدمت به خلق مخدوم جدید بیان می‌دارد و در ضمن او را می‌بوسد و دستاربندی و جان‌نشینی پدر یا بزرگ خانواده را بر او مبارکباد می‌گوید . دیگر خلق الله هر یک به فرصت معین پیش می‌آیند و دست ادب بر سینه می‌نهند و با دو دست را به علامت احترام به هم چسبانیده سپس دست مخدوم جدید را می‌بوسند و بشتابند و با احترام باز می‌گردند .

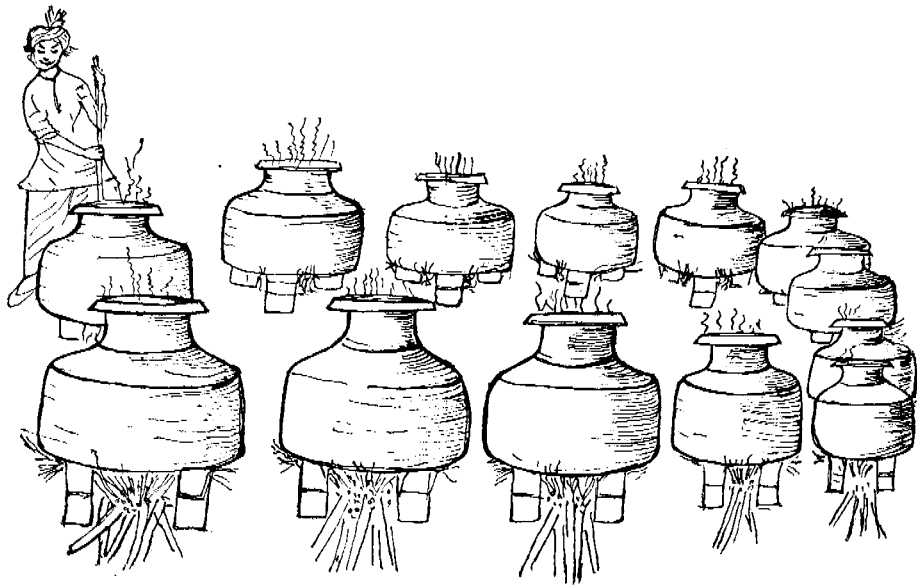
راهنمایی مریدان :

پس از مخدوم یا پیر بزرگ ، مخدوم جدید سخنرانی کوتاهی می‌کند و متذکر می‌شود که کار من خدمت به خلق و وظیفهٔ من راهنمایی مریدان و پیروان پدرم می‌باشد . و در این خدمت و وظیفه از هیچ گونه کوشش و قبول زحمت فروگذار نمی‌خواهم کرد . و امیدوارم در این کار موفق و سرافراز شوم ، و ضمناً از بزرگان ، عالمان ، دهقانان ، کارمندان ، کارگران درخواست دارم که به من یاور و همکار فرمایند و مرانها نگذارند ، و در آخر از همهٔ مهمانان و دعوت‌شدگان سپاسگزاری و تشکر می‌کند .

دعوت به غذا :

در پایان سخنرانی ، از همه حاضران دعوت می‌کند که برای ناهار در بخش دیگر شامیانه تشریف ببرند . با یک نظم ویژه مهمانان به طرف شامیانه‌یی که در آنجا غذا ترتیب داده شده ، می‌روند . ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر جمعیت به یکبار دعوت





هر کس لیوان یا ظرف مخصوص خود داشته باشد و در این موقع کمی باید خاکشیر مزاج بود و زیاد و سواسی نبود!

دیدار مردم با مردم :

در هنگام غذا خوردن همه حاضران فرصت ملاقات می‌یابند و دوستان و یارانی که سالها و ماهها یکدیگر را نیافته و یا ندیده‌اند دیدار می‌کنند. در اینگونه اجتماعها در حقیقت نوعی دیدار مردم با مردم هم صورت می‌پذیرد و دوستی‌ها تجدید می‌گردد و دشمنی‌ها یا اختلاف‌ها تبدیل به دوستی می‌شود. اما باید مواظب بود، گروه دوستان که با هم آمده‌اند، یکدیگر را گم نکنند که یافتن و بازگشتشان بسیار مشکل می‌شود.

پایان رسم قل و دستار بندی :

البته امکان دارد برای مهمانانی مخصوص، جای ویژه‌ای ترتیب داده، صندلی و میز و مبل بچینند. لیکن لطفش همان است که ایستاده غذا خورده شود و ملاقات‌های دوستانه صورت پذیرد. پس از غذا، دیگر کار پایان یافته و رسم قل و دستار بندی انجام پذیرفته است و بنابراین مردمان اندک اندک آماده بازگشت می‌شوند.

زندگی مطابق معمول :

از طرفی دیگر، خویشاوندان و نزدیکان کسی که مرده و کسی که دستار بسته و اکنون جانشین شده، به خانه مرده می‌روند و با زنان و بستگان و بچه‌ها به سخن می‌نشینند و گفت‌وگو می‌کنند و در حقیقت آنها را از «عزا و ماتم» بیرون می‌آورند و دستار بندی اعلم و ارشد اولاد خاندان را به آنها مبارکباد می‌گویند و بار دیگر مبل‌ها و صندلی‌ها و میزها و

به غذا واقعاً شگفت‌آور است. در پنجاه تا صد ردیف میزهایی چیده‌اند و روی آنها فقط بشتاب و قاشق گذاشته‌اند. و نمک و سالاد و ماست و چند چیز دیگر در کنار ظرف نهاده‌اند. در کنار آنها به فاصله معین در دو ردیف سه پایه و چهار پایه‌های آهنی تعبیه کرده‌اند که دارای دو طبقه است. طبقه اول آتش سرخ کرده ذغال یا چوب را در یک ظرف آهنی قرار داده‌اند و روی آتش ظرف غذا جای داده‌اند. و بدین ترتیب ممکن است ۵۰۰۰ سه پایه و یا چهار پایه گذارده و روی آنها غذا چیده باشند.

انواع غذاها :

انواع غذاها عبارت است از: یخنی پلو (گوشت و برنج و «مصالح» از قبیل سیر و پیاز فلفل سرخ و سبزی و سیاه و هل و دارچین و زنجفیل و چند چیز دیگر)، خورش (سالمق) شامل (گوشت و «مصالح» پیاز و سیر و مواد تند و تیز مانند فلفل سرخ و سیاه). شیرین پلو (شامل برنج و مغز بادام و خلال نارنج و نارگیل و شکر و زردچوبه و شاید زعفران). ماست (آمیخته با فلفل سرخ و سیاه و مواد خوش عطر)، سالاد (پیاز و گوجه‌فرنگی و فلفل سرخ و نمک فراوان)، نان (نان تنوری) و چپاتی (نان روی تابه) و پراتا (نان سرخ شده در روغن) و چند قسم نان دیگر.

آب آشامیدنی :

آب آشامیدنی را در ظروف بزرگ که معمولاً از سفال ساخته شده و شبیه «ختم» است و آنها را «مَت» یا «مَتکا» می‌گویند می‌ریزند و از «ختم» کوچکتر نیز «صراحی» و «گَهر» نام دارد. البته در ظروف دیگر هم آب می‌ریزند و مورد استفاده قرار می‌دهند، و هیچ وقت امکان ندارد که

شان و شوکت پادشاهی :

جلسه دستاربندی درست همانند يك دربار پادشاهی دارای شان و شوکت بود. در وسط دو دیواره شرقی امامباره يك قالی برای سجاده نشینی پهن کرده بودند. بر طرف راست آن آقای مخدوم مرید حسین و آقای مخدوم ضمیر حسین سجاده نشینان درگاه شاه شمس سبزواری (تبریزی) و پس از آنها جایگاه همه بزرگان و نوابان و خاندان بود. در طرف چپ آن همه سادات گردیزی نشسته بودند.

ترتیب دستاربندی :

- ترتیب جلسه دستاربندی اینگونه آغاز گردید که :
- ۱ - آقای سید امیرحیدر شاه ، آقای مخدوم جدید را برای دستاربندی روی قالی سجاده نشینی برد .
 - ۲ - او دستار را بر سر اقدس او گذاشت .
 - ۳ - من جبّه را به او پوشاندم .
 - ۴ - آقای مولوی صاحب عصا و تسبیح حضرت شاه گردیز علیه الرحمه را به دست مبارك آقای مخدوم جدید داد .
 - ۵ - آقای سید فتح شاه کفش مخدوم را پوشانید .

رسم سجاده نشینی :

آنگاه من در مقابل سجاده با اندکی فاصله ایستادم و به آواز بلند رسم سجاده نشینی را اینگونه ادا کردم :

« بزرگان و حاضران ! من اعلان می کنم که در این روز تاریخی به جای اعلیحضرت مخدوم شیخ محمد راجو گردیزی اعلی الله مقامه ، حضرت حاجی مخدوم سید محمد یوسف صاحب گردیزی مدظله العالی بزرگ و سردار خاندان خود ، سجاده نشین خانقاه قبله عالم قطب الاقطاب حضرت شاه گردیز می گردد . خدای بزرگ سایه او را تا زمانه دراز برپای دارد ، به ایشان فرزند بلند اقبال و طویل العمر کرامت فرماید ، و آفتاب اقتدار و عروج خاندان گردیزی را در عهد پربرکت ایشان ، مطابق حکایات و روایات کهن خاندانی ، روشن و پرتوافکن نماید . آمین یا رب العالمین » .

دست بوسی و بیعت :

بعد از این اعلان ، تعظیم کردم و يك طرف ایستادم و تقریباً پس از نیم دقیقه توقف ، بار دیگر مقابل مسند (سجاده) آمدم ، آقای مخدوم را اینگونه مخاطب قرار دادم :

« حضرت مخدوم ، برای دستاربندی شما ، در این وقت سعید ، در حضور خاندان شما ، به حضور شما حاضر شده و رسم خدمت گری به جای آورده ، برای تشریف به دست بوسی و بیعت سرکار عالی اجازت می خواهم ؟ » .

در جواب آن ، حضرت آقای مخدوم دستور فرمودند :

« بسم الله ، بیایید من به جهت اخلاص و محبت و برای

تخت خوابها را به درون اطاقها می آورند و از کف اطاق بر می خیزند و تهیه غذا را آغاز می نمایند و مهمانی می دهند و به مهمانی می روند و بر لبان شان تبسم و خنده جاری می شود و زندگی مطابق معمول می گردد .

هفتمین جمعه یا چهلم :

ضمناً يك دست لباس کامل که عبارت از قمیص و شلوار دستار و کفش و دستمال (رومال) باشد و نیز شانه و سرمه و حوله و تسبیح و جانماز به مولوی (ملا) می دهند و غذای ویژه می پزند و برای خیرات و صدقه به فقیران می دهند و به مساجد می برند و این رسم را تا هفت جمعه ادامه می دهند . روز جمعه هفتم را با شکوه و جلال فراوان ترتیب می دهند و دعوت می کنند و غذای فراوان می پزند و مردم را اطعام می نمایند . در حقیقت هفتمین جمعه پس از مرگ همان « چهلم » است . گروهی این دستنهی آنرا اهمیت می دهند و « رسم جمعه هفتم » و یا « رسم چهلم » برقرار می دارند و شاید رسم قل و دستاربندی را در همین روز برگزار نمایند همانگونه که قبلاً نوشته ام .

بارهو :

روز وفات مرده را بعد از اینکه يك سال گذشت ، « بارهو » ، می گویند . در این روز خیرات و صدقات فراوان می کنند و فقیران را غذا می دهند و به گورستان می روند و بر گور مرده فاتحه می خوانند و قرآن تلاوت می کنند و برای روح مرده آمرزش و مغفرت می طلبند .

سنگ قبر و ماده تاریخ :

در این موقع بر حسب استطاعت صاحبان مرده ، برای گور مرده ، سنگ قبر مناسب تهیه کرده ، نصب نموده اند . نام مرده و تاریخ ولادت و وفات و نام پدر و مادر و القاب او را حک کرده اند ، و قطعه ماده تاریخ مناسب که اکثر به زبان فارسی سروده شده است روی سنگ قبر نقر کرده اند و امکان دارد آیات قرآن و اشعار و دیگر کلمات و اشکال روی سنگ نقر کنند . دستاربندی در خاندان سادات گردیزی :

اینك يك صحنه دستاربندی را که مربوط به خاندان سادات گردیزی است و در تاریخ ۶ آوریل ۱۹۲۸ میلادی برابر با ۱۷ فروردین ۱۳۰۷ خورشیدی در ملتان دربارگاه حضرت شاه یوسف گردیزی صورت گرفته است ، نقل می کنم (از قول و خط مرحوم سید حسن بخش گردیزی جد آقای سید عباس حسین شاه گردیزی) :

« در ۶ آوریل روز جمعه برای آقای مخدوم جدید رسم دستاربندی در حسینیه گردیزیان با نهایت جاه و جلال بعمل آمد . در اجرای برنامه از مشورت و کوشش من (سید حسن بخش گردیزی) استفاده شد .

اطمینان همکاری و همراهی این خاندان مسئولیت این منصب جلیله را اختیار نمودم» .

حضرت مخدوم این جمله را فرمودند و برمسند خود ایستادند و همه آقایان گردیزیان یک یک برای مبارکباد و تکریم و تعظیم و بیعت پیش آمدند . فرداً فرد مقابل مسند حضرت مخدوم می آمدند و دودست را بر سینه می گذاشتند و تعظیم می کردند ، سپس پیش می رفتند و با حضرت مخدوم مصافحه می نمودند و در حالت مصافحه ، بردست های حضرت مخدوم بوسه می زدند . و پشتاپشت و روی در روی مخدوم و دو دست بر سینه ، کورنش و تعظیم بجای می آوردند و به جای خویش باز می گشتند و به همین ترتیب دیگران برای دست بوسی و تعظیم و تسلیم و بیعت پیش می آمدند . این رسم دست بوسی و تعظیم مدتی زیاد وقت گرفت . در این موقع ، جاه و جلال عظمت مخدوم دیدنی بود . همه حاضران و مهمانان تحت تأثیر روحانیت و سیادت مخدوم قرار گرفته بودند . دربارگاه حضرت شاه گردیز عظمت ویژه ای جلوه گر بود .

همه این آرایش های زیبا و پیرایش های فریبا نتیجه همکاری و زحمت و رنج گروه جوانان گردیزی بود . عباس حسین شاه ، ممتاز حسین شاه ، ریاض حسین شاه ، و سرافراز حسین شاه (مدعمر هم) در این رسم بزرگ کوشش بسیار نمودند و دلبستگی فراوان ظاهر کردند .

ملنگان و قلندران :

یک شامیانه بر کنار دروازه شرقی خانقاه زده بودند که در زیر آن طبالان و نوازندگان و قلندران و ملنگان جمع شده بودند . در موقع برگزاری رسم دستار بندی و سخنرانی ، طبالان و نوازندگان آهنگ جان پرور می زدند و ملنگان و قلندران در «ناد = شاخ» می دمیدند شاید یکصد نفر ملنگ و قلندر با صف های آراسته ایستادند و در «ناد = ند» دمیدند و اشعار لعل شهباز قلندر خواندند . در این موقع گویی آسمان وزمین در شادی و خرسندی شریک شده بودند و از سبزه و گل های خوشبو و رنگارنگ همه جا انباشته شده بود چون باغبان «حسن کوشک» و همکارش در باغبانی و گل پروری و گل چینی بسیار خوب کار کرده بود

عکس دسته جمعی :

در وقت دستار بندی در خانه آقای سید ناصرالدین شاه گردیزی ، همه سادات گردیزی به همراهی حضرت مخدوم یک عکس دسته جمعی برداشتند .

ادای احترام و سلام به مولانا بهاء الحق و شاه شمس :

بعد از عکس دسته جمعی ، حضرت مخدوم و همه سادات گردیزی برای احترام و سلام به خانقاه حضرت مولانا بهاء الحق والدین زکریا ملتانی (رح) رفتند سپس همگان به همین منظوره خانقاه حضرت شاه شمس تبریزی (سبزواری) (رح) تشریف فرما گشتند و برای سلام به خدمت جناب آقای مخدوم مرید حسین نیز همه حاضران رفتند اما ایشان در آن وقت در خانه خود نبودند . البته ایشان و عموی بزرگشان در همه مراسم دستار بندی شرکت کرده بود .

خوانچه های خشکبار :

سپس حضرت مخدوم به خانه خود رفتند و با خاندان نزدیک و زنان و مستورات نشستند و آنها ، دستار بندی و سجاده نشینی را به حضرت مخدوم مبارکباد گفتند . در این موقع خوانچه های بزرگ که در آنها انواع میوه های خشک (خشکبار و آجیل) مانند بادام و پسته و گردو و کشمش و نارگیل و توت و مصری و پتاشه (نبات و نوعی شیرینی) قرار داشت بر جلوی پای مخدوم ریختند و شاید بیش از یک صد خوانچه خشکبار آوردند و جلوی پای مخدوم تار کردند و گویی کوهی از میوه خشک جمع شد .

قصیده دستار بندی :

بعد از پایان سلام و دست بوسی ، حضرت مخدوم باز برمسند خویش نشینند و تکیه زدند ، آقای کشفی شاعر یک قصیده که برای این موقع سعید و این رسم دستار بندی گفته بود بسا نهایت ارادتمندی و خوش الحانی در مقابل همگان خواندند . از این قصیده بسیار تعریف کردند و همه مهمانان و حاضران آنرا بسیار پسندیدند و نهایت محظوظ شدند .

بزرگداشت و سلام شاه یوسف گردیزی :

حضرت مخدوم و سادات گردیزی بعد از خواندن و شنیدن قصیده برای بزرگداشت و دعا به درگاه و مزار حضرت شاه یوسف گردیزی رفتند و با خضوع و خشوع زیارت نمودند .

آیینه بندی حسینیّه گردیزیان :

در این وقت حسینیّه گردیزیان (امامباره) آن چنان با شکوه آراسته و پیراسته و آیینه بندی و چراغانی شده بود که همانند آن تاکنون دیده نشده بود . بر همه دیوارها و سردرها پارچه های منتشش و زربفت آویخته بودند . مرقعات اشعار خوش نویسی و آیات و ادعیه و آیینه و چراغ آفتدر نصب شده بود که زیبایی و درخشندگی ویژه ای به امامباره بخشیده بود . برستون ها پارچه های سبز و گل های رنگارنگ بسته بودند . در صحن خانقاه گردیزیان ، شامیانه های بسیار زیبا و با عظمت زده بودند . فرش ها و گلیم های خوش رنگ به فراوانی ترتیب یافته بود . بر گنبد ها و قبه ها و برگلسته های بزرگ و مناره ها تا آنجا که توانسته بودند ، آرایش و پیرایش داده بودند .

بر سر او «عمامه روحانیت» می‌نهند و در پاکستان آنرا «دستار تحصیل تمام» می‌گویند .

۳ - دستار بندی پیری و شاگردی و با مریدی و مرادی : که بیشتر در خانقاه‌ها و در نزد پیران و عارفان و صوفیان انجام می‌گیرد و به شاگرد یا مرید «مقام پیری» و «مرتبۀ مرادی» و «سند ارشاد» می‌دهند .

۴ - دستار بندی میراث : که در آن نوابان و خواجهگان و راجه‌ها و بزرگان صاحب مال و مکتب شرکت دارند و پسر و یا کس دیگر همه اموال پدر و یا مالک را وارث است ، بدین جهت «دستار بندی میراث» صورت می‌گیرد و جشن برپا میشود و مالکان جدید به همه معرفی می‌گردند و بر سرشان دستار می‌بندند .

۵ - دستار بندی ختم قرآن مجید : که در آن فرزندان خانواده‌ها از مدرسۀ دینی و یا در منزل سَنَد قرآن خوانی و قرائت قرآن و حفظ قرآن به دست می‌آورند . مجلسی بزرگ تشکیل می‌شود و نزدیکیان و معلم آن شخص گردهم جمع می‌شوند و بر سر طفل و معلم او دستار می‌بندند و تاجهای گل نثار می‌کنند و مهمانی می‌دهند .

ترکیب «دستار بندی» و «رسم قل» در فرهنگها :

دو ترکیب «دستار بندی» و «رسم قل» را در فرهنگهای فارسی و اردو نیافیم . اما ترکیبات دیگر «دستار» چنین است : از «دست + ار» است . «ار» به معنی نسبت است و روی هم رفته به معنی شال سر و عمامه که از پارچه زریفت و حریر و ابریشم تهیه می‌کنند و همواره با افعال بستن و پیچیدن و چیدن و آشفتن و پربشان شدن می‌آید و ترکیبات و تشبیهات و کنایات بسیار از آن در ادبیات فارسی موجود است :

دستاران : بمعنی شاگردانه و اجرت و مزد .

دستار بر زمین زدن : دادخواهی و تظلم .

دستار بزرگ : قلیبان .

دستار بست : مندیل و عمامه کتانی نازک

دستار بند : معمم ، فقیه ، دانشمند .

دستار بندان : سادات ، مشایخ ، صدور ، علما ، فضلا .

دستارچه : دستمال و سفره کوچک و دستار کوچک ، طره

و کمر بند ، تحفه و هدیه .

دستارچه ساختن : استمالت کردن ، هدیه دادن .

دستارخوان : سفره ، خوان .

دستارخوانچی : سفره‌دار ، خوان‌سالار .

دستار درگلو کردن : رسوا و بی حرمت و فضح کردن .

دستارستان : آستین .

دستار سر : عمامه ، مندیل ، کفن .

بعد از این مراسم ، آنها که وابسته و نزدیک و خویش مخدوم بودند ، روی سر مخدوم قرآن کریم گذاشتند و هر کس بر روی قرآن شریف پولهایی نهاد و نزدیک‌ترین فرد به مخدوم آنها را جمع‌آوری کرد و شاید دهها هزار روپیه گردآوری شد که پس از آن همه پولها و شیرینی‌ها و خشکبارها را در کیسه‌ها و جعبه‌های کوچک و بزرگ جای دادند تا بعداً میان فقیران تقسیم نمایند .

مخارج دستار بندی :

آنچه که بسیار مهم است . مخارج دستار بندی است . از قرار تحقیق آنگاه که مخدوم پیشین فوت می‌کند ، همه بستگان و خویشان و مریدان ، از هر چیزی که ممکن است از قبیل پول و گندم و گوسفند می‌دهند و چند نفر مسؤول جمع‌آوری آنها می‌شوند و برای روز دستار بندی آنها را آماده می‌سازند و همچنین برای رسم قل و دیگر مراسم تدفین و تکفین و ناهار و شام مهمانان از این هدایا استفاده می‌کنند .

مرکز تبرکات :

از قرار تحقیق ، رسم دستار بندی مخدومان و پیران با خرقه پوشی عارفان و صوفیان و تاجگذاری پادشاهان و شاهنشاهان ارتباط دارد و مراسم مشابه دارد . در دربار پادشاهان مغول هند ، علاوه بر تاجگذاری ، دستار بندی هم می‌کردند و خرقه می‌پوشیدند . در موزه پادشاهی مسجد در لاهور جایگاهی دارند که باید آنرا «مرکز تبرکات» نامید و مردم بسیار به آنجا رفت و آمد می‌کنند و به آن تبرکات فوق‌العاده احترام می‌گذارند . چندین دستار و خرقه و عصا و جبه و علم و دستمال و نعلین و دیگر چیزها در این مرکز وجود دارد که همه آنها را به حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه طاهریین و صحابه کبار منسوب داشته و نوشته‌اند . و همانند این مجموعه‌های متبرکه در مراکز دینی و خانقاهای پاکستان بسیار است .

اقسام دستار بندی :

دیگر اینکه دستار بندی را انواع و اقسام است از جمله :

۱ - دستار بندی خاندانی : که معمولاً میان پدر و پسر و یا بستگان نزدیک انجام می‌گیرد .

۲ - دستار بندی تحصیلی : در مدارس دینی که پس از فراغت از تحصیل علوم دینی ، طالب علم به مقام «مولوی» می‌رسد و جشنی در مدرسه برپا می‌گردد و به او سند علمی می‌دهند و دستار می‌بندند و بزرگترین مرد روحانی و علمی مدرسه دینی دستار بر سر فارغ‌التحصیل می‌بندد . و در حقیقت